

Newly found sources of 75 quatrains attributed to Rumi from the Rum's Divan-e-Kabir based on Nozhat-al-Majales

Rahman Moshtaghmehr^{*}, Yadollah Nasrollahi^{}**

Mahnaz Nezami^{*}**

Abstract

Badi-ul-Zaman Forouzanfar, the editor of Rumi's Divan-e-Kabir, and other scholars believe that there are common quatrains between Divan Kabir and the early sources. By searching for the quatrains from the early poets in Divan-e Kabir, one can understand the vast range of Rumi's study references and the sources of his literary thought. One of the valuable sources of quatrains is the collection of Nozhat-al-Majales, which contains 4125 quatrains from 300 Persian poets. In addition to the 40 common quatrains between Divan-e-Kabir and Nozhat-al-Majales, which Riahi mentioned in the footnote of Nozhat-al-Majales, 75 other quatrains from this collection were found in Divan-e-Kabir. These quatrains were then searched in other Divans and earlier literary works, and as a result, other new sources were obtained for some of these common quatrains. Out of a total of 115 quatrains shared by Nozhat-al-Majales and Divan-e Kabir, in 65 cases, the name of the poet of the quatrain is clear, which entered Divan-e-Kabir from 38 poets. Among these poets, Sanai is at the top with six quatrains. Not all of these quatrains appeared in the

* Professor of Persian Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran
(corresponding author), r.moshtaghmehr@gmail.com

** Associate Professor of Persian Language and Literature, Azerbaijan Shahid Madani University.,
Tabriz, Iran, y.nasrollahy@gmail.com

*** PhD student of Persian Language and Literature, Azerbaijan Shahid Madani University, Tabriz,
Iran, mahnaznezami10@yahoo.com

Date received: 22/04/2021, Date of acceptance: 05/07/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Divan-e-Kabir without change. The similarity of common quatrains varies from similarity in four shutters to similarity in one shutter.

Keywords: Divan-e-Kabir, quatrains attributed to Rumi, Nozhat-al-Majales, early sources, text editing.



مآخذ نویافته ۷۵ رباعی از دیوان کبیر مولانا

با تکیه بر نزهة المجالس

رحمان مشتاق مهر*

بداله نصراللهی**، مهناز نظامی**

چکیده

حتی بدیع‌الزمان فروزانفر، مصحح کلیات شمس تبریزی، بر وجود بعضی از رباعیات منسوب به مولانا در منابع ادبی کهن‌تر اذعان کرده‌اند. با جستجوی این منابع برای یافتن سرایندهان واقعی رباعیات، علاوه بر شناختن گوینده واقعی آنها و رفع شبهه انتساب آنها به مولانا، می‌توان به گستره منابع مطالعاتی مولانا و بعضی آبخورهای ذوقی، فکری و عرفانی او پی برد. یکی از منابع بارز رباعی، که رباعیات شاعران پیش از مولانا را در خود جای داده است، نزهة‌المجالس است با ۴۱۲۵ رباعی. علاوه بر ۴۰ رباعی مشترک مندرج در دیوان کبیر و نزهة‌المجالس که مصحح کتاب، استاد محمدمین ریاحی، در پانوشت صفحات بدان اشاره کرده است، ۷۵ رباعی دیگر در این کتاب پیدا کردیم که به نوعی با رباعیات دیوان کبیر وجه مشترک دارند. سپس این رباعیات را در دواوین شعری و منابع ادبی کهن‌تر نیز جستجو نمودیم و در نتیجه آن، منابع نویافته دیگری برای تعدادی از

* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)،
r.moshtaghmehr@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران،
y.nasrollahy@gmail.com

*** دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران،
mahnaznezami10@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

این رباعیات به دست آوردیم. از مجموع ۱۱۵ رباعی مشترک نزهة المجالس و دیوان کبیر، سراینده ۶۵ رباعی که به ۳۸ شاعر تعلق دارند، مشخص شده است که از این میان، سنایی با شش رباعی در صدر است. این رباعیات همه، عیناً و بدون تغییر به دیوان کبیر وارد نشده‌اند، بلکه در چهار تا یک مصراع وجه مشترک دارند. در ۱۴ مورد نیز، رباعی با حفظ قوافی و مضمون، به شکلی دیگر ثبت شده است.

کلیدواژه‌ها: دیوان کبیر، کلیات شمس تبریزی، رباعیات مشترک، نزهة المجالس، منابع کهن شعر فارسی.

۱. مقدمه

صوفیه از میان قالب‌های شعری به رباعی بیش از دیگر قالب‌ها علاقه نشان داده، این قالب را برای بیان معانی بلند عرفانی خویش، مناسب‌تر یافته‌اند و با وجودی که غالباً از شهرت به شعر و شاعری بیزاری جسته‌اند، در دفتر رباعیات فارسی رباعیات بسیاری را به نام خود ثبت کرده‌اند.

در مورد رباعیات منسوب به سرایندگان صوفی باید به دو نکته توجه شود، نخست این‌که صوفیه به صورت سلسله‌وار به آثار، گفته‌ها و سروده‌های مشایخ پیش از خود عنایت داشته و در بیانات خود از آن‌ها - اغلب بدون توجه به استناد و ذکر منبع - استفاده می‌کردند و «به اصطلاح، اهل معنی و «چه گفت بودند» [= ما قال] تا اهل صورت و «که گفت» [= من قال] (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۱۴). بنابراین مریدان مخاطب، این مطالب را که، اغلب حاوی رباعی نیز بودند، به نام پیر و مراد خویش ثبت می‌کردند. نکته مهم دیگر این است که، معروف‌ترین و برجسته‌ترین عرفا نگاهی جمال‌شناسانه و هنری به عرفان و الهیات داشته‌اند چرا که «عرفان چیزی نیست جز نگاه جمال‌شناسانه به الاهیات» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۱۹). لذا برخورد عاطفی و هنری این دسته از صوفیه با عرفان موجب شد تا زبان عرفان در نزد آن‌ها حد و مرزی نداشته باشد، و آن‌ها نیز بر همین اساس توانستند از ظرفیت‌های گوناگون زبان، برای بیان مقصود و معنای مورد نظر خویش، استفاده کنند. یکی از مهم‌ترین برخوردهای خلاقانه صوفیه با زبان این است که، آن‌ها در بیانات و حتی در مکتوبات خود، برای بیان مقصود، فقط به اقوال و اشعار صوفیانه بسنده نکردند، بلکه به دیگر آثار شعری غیر صوفیانه پیش از خود نیز عنایت داشته، و از آن‌ها نیز در بیان معانی بلند عرفانی خویش به خوبی استفاده کردند و مرزهای زبان صوفیانه

را شاید در حوزهٔ عرفان برای اولین بار این چنین شکستند و آغازکنندهٔ راهی نوین در عرصهٔ زبان عرفان و تصوف شدند و این گونه بی‌کرانه بودن را به حوزهٔ زبان عرفان هدیه کردند. اما همین دو نکته موجب شد که اقوال و آثار عرفای برجسته، با اشعار و به ویژه رباعیات دیگر شعرای صوفی و غیرصوفی درآمیزد و بخشی از آثار ادبی دیگران به اشتباه به این دسته از عرفا منسوب گردد. بنابراین هر چه میزان آشنایی این دسته از عرفا با اشعار و رباعیات و به طور کلی آثار ادبی پیشین بیشتر می‌شد به همان میزان اختلاط اشعار دیگران، با اشعار آن‌ها بیشتر می‌گردید؛ اما همان گونه که گذشت این اختلاط و درهم‌آمیختگی در حوزهٔ رباعیات - به خاطر توجه پررنگ صوفیه به این قالب شعری - بیشتر از دیگر قالب‌های شعری رخ داده است و همین امر سبب شد که ما رباعیات سرگردان فراوانی را در آثار عرفا شاهد باشیم، البته وجود رباعیات سرگردان اختصاص به آثار صوفیه ندارد، اما قطعاً با توجه به نکات مذکور، درصد آن بسیار بیشتر از رباعیات سرگردان در آثار شعرای غیر صوفی است، لذا در زمینهٔ رباعیات سرگردان «دیوان شعرا قابل اعتمادتر از مجموعه‌هایی مثل رباعیات مولوی و اوحدالدین و بابا افضل و ابوسعید و امثالهم است» (میرافضلی، ۱۳۸۱: ۳۶).

از آثار و مکتوبات مولانا می‌توان دریافت که او با آثار ادبی عرفانی و غیر عرفانی سترگ پیش از خود به خوبی آشنا بوده و از آنها در خلق آثارش تاثیر گرفته است. این آثار در واقع آبخورهای فکری مولانا به شمار می‌آیند. بنابراین یکی از راه‌های آشنایی با منابع فکری و ذوقی مولانا، در تمام آثار او، پیگیری ردپای آثار و آموزه‌های دیگران در مطاوی سروده‌ها و گفته‌ها و نوشته‌های اوست» (رحمان مشتاق مهر ۱۳۹۶: ۱۰۴). از این رو مشخص شدن این آبخورهای فکری ما را با وسعت آگاهی و تنوع منابع مطالعاتی مولانا آشنا می‌سازد. یکی از مهم‌ترین آثار مولانا در ادبیات فارسی رباعیات اوست که در ویراست ارزشمند و منقح بدیع الزمان فرزانه از دیوانش ۱۹۸۳ رباعی به او منسوب است. در این اثر نیز به صورت مستقیم و غیر مستقیم (اقتباسی)، رد پای رباعیات متعددی را می‌توان یافت که متعلق به شعرای صوفی و غیر صوفی پیش از مولانا است.

پژوهشگرانی مانند فرانکلین دی لوئیس (۱۳۸۳: ۴۱۶) فروزانفر در مقدمهٔ جلد هشتم دیوان کبیر (۱۳۶۳: ۱)، شعبانی (۱۳۸۹: ۲۹) و میرافضلی هر کدام به انحاء مختلف به وجود رباعیات سرگردان و دخیل در مجموعهٔ رباعیات مولانا اشاره کرده و بر این امر

صححه گذاشته‌اند، از جمله سید علی میر افضلی، پژوهشگر برجسته رباعیات فارسی، در این زمینه می‌نویسد:

بعضی از این مجموعه رباعیات — مانند رباعیات مولوی (در کلیات شمس) و اوحدالدین کرمانی - فراهم کرده مریدان و معتقدان آنهاست که اهتمام و اعتقاد بلیغی داشته‌اند که هر چه شعر بر زبان مرادشان می‌گذشته است به اسم خود او به ثبت برسانند و مجموعه اشعارش را فربه نمایند (میرافضلی، ۱۳۷۶: ۲۴-۲۵).

قطعاً یکی از راه‌های تشخیص و اثبات برخی از رباعیات دخیل در دیوان کبیر، بررسی و مقایسه رباعیات آن با مجموعه‌های متقدم رباعی، از جمله مجموعه کهن و بارزش نزهة‌المجالس است که حاوی چهار هزار و اندی رباعی از شاعرانی پیش از مولاناست. «نزهة‌المجالس، ارزنده‌ترین گنجینه ترانه‌های ایرانی، نغزترین نمونه‌های هنر اصیل ایرانی، و والاترین و ژرف‌ترین یادگارهای اندیشه ایرانی است» (ریاحی ۱۳۷۴: مقدمه ۱۱) محمدامین ریاحی در این مجموعه کهن برای تعداد زیادی از رباعیات در قسمت پانوشت این اثر منابعی را ذکر می‌کند که همین امر گواه آن است که ایشان در تصحیح این مجموعه بارزش سعی وافری مبذول داشته‌اند. شاید نقطه عطف توجه برخی پژوهش‌ها به سمت و سوی بررسی اصالت رباعیات مولانا، مطلبی است که ایشان در مقدمه عالمانه خود بر کتاب نزهة‌المجالس این‌گونه به آن اشاره کرده‌اند: «۵۰ رباعی از رباعی‌هایی که در دیوان کبیر مولوی، بعد از آن همه دقت و وسواس علمی استاد فروزانفر، چاپ شده در نزهة‌المجالس هست و این می‌رساند که هیچ یک از آنها از مولوی نیست» (ریاحی ۱۳۷۵: ۵۶). البته باید یادآور شویم که ایشان در پانوشت‌های آخرین تصحیح نزهة‌المجالس، فقط به ۴۲ رباعی مشترک میان رباعیات مولانا و نزهة‌المجالس اشاره کرده‌اند که یک مورد آن به شماره ۷۸۵ در مکتوبات مولانا آمده و یک رباعی دیگر به شماره ۹۲۰ در نزهة‌المجالس، در دیوان کبیر به تصحیح فروزانفر اصلاً وجود ندارد، بنابراین ایشان فقط به چهل رباعی از دیوان کبیر به تصحیح فروزانفر به شماره‌های ۳، ۱۶۷، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۹۰، ۳۲۸، ۳۴۱، ۴۲۰، ۴۳۱، ۴۶۳، ۵۰۶، ۵۵۱، ۵۷۴، ۵۷۸، ۶۹۹، ۸۳۵، ۹۰۴، ۱۰۵۲، ۱۰۶۲، ۱۱۹۶، ۱۲۱۰، ۱۲۱۶، ۱۲۳۴، ۱۴۸۳، ۱۵۱۴، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۶۶۱، ۱۷۴۱، ۱۷۴۷، ۱۷۷۱، ۱۷۷۹، ۱۸۰۱، ۱۸۱۰، ۱۸۲۸، ۱۸۵۳، ۱۸۸۱، ۱۹۰۷ و ۱۹۲۱ در پانوشت‌ها اشاره کرده‌اند. این نکته موجب شد تا برای یافتن دیگر رباعی‌های دخیل، مقایسه‌ای میان نزهة‌المجالس و

مآخذ نویافته ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۰۱

دیوان شمس تصحیح فروزانفر صورت گیرد تا تمامی رباعیات مشترک میان این دو اثر مشخص شود. و در صورت امکان به منابع دیگری از این رباعیات نیز اشاره شود.

تنها مقاله‌ای که در زمینه بررسی اصالت برخی از رباعیات مولانا تا کنون نگاشته شده است مقاله‌ای با عنوان «بازشناسی منبع ۳۸ رباعی منسوب به مولانا در متون ادبی و تاریخی» است. (ابراهیم رحیمی زنگنه و رحمتیان ۱۳۹۶). در این پژوهش در اغلب موارد به بازشناسی رباعی‌هایی پرداخته شده که در متون کهن نثر فارسی به عنوان استشهادات شعری نیز آمده‌اند که البته برخی از آن‌ها علاوه بر اینکه در متون نثر آمده‌اند در مجموعه نزهة المجالس نیز وجود دارند. از میان این ۳۸ رباعی، در این مقاله، ۱۰ رباعی به شماره‌های ۳، ۱۱۵، ۱۲۱، ۲۳۰، ۵۰۶، ۹۴۲، ۱۰۵۲، ۱۸۲۸، ۱۸۸۱ و ۱۹۲۱ از دیوان کبیر به مجموعه نزهة المجالس ارجاع داده شده‌اند که غیر از سه رباعی شماره ۱۱۵، ۱۲۱ و ۹۴۲، هفت رباعی دیگر را قبلاً محمد امین ریاحی، در پانوش نزهة المجالس به عنوان رباعیات مشترک نزهة المجالس و دیوان کبیر مشخص کرده‌اند. بنابراین در این پژوهش فقط به سه رباعی مشترک نویافته از دیوان کبیر در نزهة المجالس اشاره شده است که با احتساب ۴۰ رباعی مشخص شده توسط محمد امین ریاحی در نزهة المجالس، در مجموع ۴۳ رباعی مشترک میان دیوان کبیر و نزهة المجالس تاکنون شناسایی شده است. از آنجا که این پژوهش ذیلی برای تکمیل استنادات و توضیحات محمد امین ریاحی در مورد رباعیات مشترک نزهة المجالس و دیوان کبیر است، در این تحقیق از ذکر ۴۰ رباعی مشترک مشخص شده توسط ایشان، خوداری شد. اما سه رباعی ۱۱۵، ۱۲۱ و ۹۴۲ که در مقاله فوق‌الذکر آمده است، نیز با ارجاعاتی کامل‌تر به نسخ خطی و دیگر منابع چاپی، در این پژوهش بار دیگر بررسی شدند.

در این پژوهش شیوه کار این‌گونه بوده است که، ابتدا رباعی مورد نظر را با ذکر شماره و علائم اختصاری نسخ آن، که توضیح آن‌ها در پیوست آمده است، از جلد هشتم دیوان کبیر به تصحیح فروزانفر آورده، و سپس به رباعی مشابه آن در نزهة المجالس اشاره کرده‌ایم و چنانچه اگر مرحوم ریاحی منبعی را برای آن رباعی در نزهة المجالس آورده باشند، ابتدا آن را ذکر کرده و سپس در صورت امکان، منابع نویافته دیگر را، پس از آن آورده‌ایم.

۲. بررسی ۷۵ رباعی نویافته مشترک، میان نزهةالمجالس و دیوان کبیر مولانا

همه رباعیات دخیل به یک صورت واحد در دیوان شمس نیامده‌اند. زیرا همیشه این‌گونه نبوده که مولانا یک رباعی را از شاعری دیگر بدون هیچ‌گونه تغییری بیان کند و مریدان آن رباعی را به نام او ثبت کنند، بلکه در اغلب موارد به ایجاد تغییراتی گوناگون در ساختار این رباعی‌ها دست یازیده است و آن رباعی را متناسب با ذوق خویش و هم‌چنین به اقتضای شرایط گوناگون، در مجالس تعلیمی و وجد و سماع خویش بر زبان رانده است. در مجموع این رباعیات را می‌توان بر اساس تغییراتی که در آنها ایجاد شده، در پنج گروه دسته‌بندی کرد:

۱.۲ شباهت در همه مصرع‌ها

۲.۲ شباهت در سه مصرع

۳.۲ شباهت در دو مصرع

۴.۲ شباهت در یک مصرع

۵.۲ اقتباس مضمون و شباهت در قوافی

۱.۲ شباهت در همه مصرع‌ها

تعداد ۳۲ رباعی از میان ۷۵ رباعی مورد بحث، به طور کامل و با داشتن شباهت در هر چهار مصرع به دیوان کبیر راه یافته‌اند، که البته این رباعی‌ها را نیز بر اساس معیارهایی می‌توان به دو دسته مجزا تقسیم کرد:

۱.۱.۲ شباهت کامل در هر چهار مصرع

فقط هفت رباعی از ۳۲ رباعی مذکور، صرف نظر از تفاوت‌های جزئی در حروف اضافه، ضمائر اشاره، ضمائر شخصی و صیغه افعال، در هر چهار مصرع شباهت کامل به یک‌دیگر دارند. میزان این گونه تفاوت‌ها در میان واژگان رباعیات دخیل در دیوان کبیر و دیگر آثار مولانا بسیار چشمگیر است. «تفاوت ضبط‌ها و روایت‌ها نشان می‌دهد که مولوی مضمون ابیات را حفظ می‌کرده ولی صیغه افعال و بعضی کلمات را مطابق با جریان مطلب و شأن مخاطب تغییر می‌داده است» (رحمان مشتاق‌مهر، ۱۳۹۶: ۸۸).

مآخذ نویافته ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۰۳

۱.۱.۱.۲ (ش: ۶۵۲) نسخه: چت، فا، مق، خب^۲

از لشکر صبرم علمی بیش نماند وز هرچه مرا بود غمی بیش نماند
این طرفه تر است کز سر عشوه هنوز دم می دهد و مرا دمی بیش نماند

📖 ← «می دهی» (شروانی ۱۳۷۵: ۴۷۷، رباعی ۲۵۵۳) مجیرالدین بیلقانی)

ریاحی: «دیوان مجیرالدین بیلقانی، ۳۹۷» (همان: ۴۷۷).

منبع دیگر: نسخه شماره ۱۷۰، دیوان مجیر، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ص: ۱۹۲

۲.۱.۱.۲ (ش: ۷۷۱) نسخه: چت، فذ، خب، عد

دوش آن بت من همچو مه گردون بود نی نی، که به حسن از آفتاب افزون بود
از دایره خیال ما بیرون بود دانم که نکو بود، ندانم چون بود

📖 ← «نه نه»، «من» (شروانی ۱۳۷۵: ۵۰۳، رباعی ۳۵۴۴ رباعی ۲۵۵۳ شفره)

۳.۱.۱.۲ (ش: ۱۰۳۴) نسخه: فذ، چت، خب، مق، فا

سودای توام در جنون می زد دوش دریای دو چشم موج خون می زد دوش
تا نیم شبی خیل خیالت برسید ور نی جانم خیمه برون می زد دوش

📖 ← «نه» (شروانی ۱۳۷۵: ۴۹۷، رباعی ۲۷۰۸) رشید

ریاحی: «نقیسی این رباعی را جزء رباعیات ابوسعید به شماره ۳۶۰ آورده است»

(همان: ۴۹۷)

۴.۱.۱.۲ (ش: ۱۰۳۹) نسخه: فذ، چت، خب، مق

دل یاد تو آرد برود هوش ز هوش می بی لب نوشین تو کی گردد نوش
دیدار تو را چشم همی دارد چشم آواز تو را گوش همی دارد گوش

📖 ← بدون تفاوت (شروانی ۱۳۷۵: ۶۲۵، رباعی ۳۶۷۱) ناشناس

ریاحی: «در کاشی های تخت سلیمان (قوچانی: ص ۶۷) است (همان: ۶۲۵).

منابع دیگر: در «روضه‌الکتاب و حدیقه‌الالباب» و «المختارات من الرسائل» فقط بیت دوم این رباعی آمده است: (القونیوی ۱۳۴۹: ۸۴)، (المختارات من الرسائل ۱۳۷۸: ۳۹۴)

۵.۱.۱.۲ (ش: ۱۶۴۶) نسخه: فذ، چت، خب، عد، مق

مه دوش به بالین تو آمد به سرای گفتم که ز غیرتش بکوبم سر و پای
مه کیست که او با تو نشیند یک جای شبگرد جهان‌دیده و انگشت نمای

📖 «جهان‌دیده» (شروانی ۱۳۷۵: ۵۵۰ رباعی ۳۱۱۰ 📖 سنایی)

۶.۱.۱.۲ (ش: ۱۸۷۷) نسخه: فذ، چت، خب، عد، مق

حاشا که به ماه گویمت می‌مانی یا چون قد تو سرو بود بستانی
مه رال لب لعل شکرافشان ز کجاست؟! در سرو کجاست جنبش روحانی!؟

📖 بدون تفاوت (همان: ۳۰۱ رباعی ۱۱۶۳ 📖 ناشناس)

منابع دیگر: (سنایی ۱۳۸۸: ۱۱۷۶، رباعی: ۵۲۱)

نسخه خطی کلیات سنایی به شماره ۱۳۴ (۶۸۴ ق) دانشگاه تهران، ص: ۳۱۹

۷.۱.۱.۲ (ش: ۱۹۲۶) نسخه: فذ، چت، خب، عد، مق

در دل نگذارمت که افگار شوی در دیده ندارمت که بس خوار شوی
در جان کنمت جای نه در دیده و دل تا در نفس بازپسین یار شوی

📖 «با» (شروانی ۱۳۷۵: ۵۹۷ رباعی ۳۴۵۵ 📖 ناشناس)

۲.۱.۲ شباهت در چهار مصرع همراه با تفاوت در برخی از واژگان

تعداد ۲۵ رباعی از رباعیات مشترک دیوان کبیر و نزهة‌المجالس، در عین شباهت در هر چهار مصرع، تفاوت‌هایی نیز در برخی از واژگان با یکدیگر دارند که این تفاوتها اغلب شامل: اسامی و افعال مترادف، پس و پیش کردن واژگان و همچنین آوردن کلمات نزدیک به هم است، در موارد اندکی هم واژگان کاملاً متفاوت از همدیگر می‌باشند و هیچ‌گونه ترادف و قرابتی میان آنها وجود ندارد:

مأخذ نویافته ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۰۵

۱.۲.۱.۲ (ش: ۱۷) نسخه: فذ، چت، خب، عد، مق

بر رهگذر بلا نهادم دل را خاص از پی تو پای گشادم دل را
از باد مرا بوی تو آمد امروز شکرانه آن به باد دادم دل را

📖 «تا در ره عشق تو»، «باز» (شروانی ۱۳۷۵: ۲۵۶ رباعی ۸۱۲ ☞ ناشناس)
ریاحی: «دیوان اوحدالدین کرمانی، رباعی ۵۰۱» (همان: ۲۵۶)
منبع دیگر: سفینه تبریز، (۷۲۱ ق) ص: ۲۹۳ متعلق به اوحدالدین کرمانی است.

۲.۲.۱.۲ (ش: ۱۲۱) نسخه: فذ، فا، خب، مق، چت

باد آمد و گل بر سر میخواران ریخت یار آمد و می در قلدح یاران ریخت
از سنبل تر رونق عطاران برسد وز نرگس مست خون هشیاران ریخت

📖 «آن عنبر تر»، «وآن» (شروانی ۱۳۷۵: ۳۵۰ رباعی ۱۵۶۵ ☞ مهستی)
ریاحی: «دیوان ظهیرالدین فاریابی، ص: ۳۷۳» (همان: ۳۵۰).
منابع دیگر: (مهستی ۱۳۹۱: ۴۷)، در چهار نسخه خطی زیر این رباعی منسوب به
ظهیرالدین فاریابی است:

سفینه تبریز، (۷۲۱ ق) ص: ۳۰۲ متعلق به ظهیرالدین فاریابی است و شباهت کامل به
نزهةالمجالس دارد.

نسخه شماره ۱۷۰ دیوان ظهیرالدین فاریابی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ص: ۱۳۰
نسخه شماره ۲۰۰ (۷۱۷ ق)، دیوان ظهیرالدین فاریابی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران،
ص: ۷۶

نسخه شماره ۲۴۴ (۸۴۰ ق) دیوان ظهیرالدین فاریابی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
ص: ۱۶۷

۳.۲.۱.۲ (ش: ۳۹۹) نسخه: فذ، چت، خب، مق

آمد بر من چو در کفم زر پنداشت چون دید که زر نیست وفا را بگذاشت
آن حلقه گوش او چنین پندارد کانجا که زر است گوش می باید داشت

📖 «نداشتم ره»، «از»، «مرا شد معلوم» (شروانی ۱۳۷۵: ۳۵۴ رباعی ۱۵۹۸) ☞
کمال‌الدین اسماعیل)

رباعی: «دیوان کمال‌الدین اسماعیل، ص: ۸۱۹ رباعی ۱۱۵» (همان: ۳۵۴)

۴.۲.۱.۲ (ش: ۵۶۳) نسخه: چت، خب

دی چشم تو رای سحر مطلق می‌زد روی تو ره گنبد ازرق می‌زد
تا داشتی آفتاب در سایه زلف جان بر صفت ذره معلوق می‌زد

📖 «مکر» (شروانی ۱۳۷۵: ۳۷۴، رباعی ۱۷۵۳) ☞ ظهیرالدین فاریابی)

رباعی: «دیوان ظهیرالدین فاریابی ص: ۳۷۵» (همان: ۳۷۴).

منابع دیگر: در دو نسخه زیر این رباعی از ظهیر است

نسخه شماره ۱۷۰، بخش دیوان ظهیرالدین فاریابی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
ص: ۱۳۱

نسخه شماره ۲۴۴ (۸۴۰ ق) از دیوان ظهیرالدین فاریابی، کتابخانه مرکزی
دانشگاه تهران، ص: ۱۶۷

۵.۲.۱.۲ (ش: ۶۵۵) نسخه: چت، فذ، خب، عد

مه را طرفی به روی او می‌ماند چیزیش بدان فرشته خو می‌ماند
نی نی ز کجا تا بکجا مه که بود جان بنده او بدو خود او می‌ماند

📖 «اثری»، «نی نی غلطم مه ز کجا او ز کجا»، «برخی»، «همو» (شروانی ۱۳۷۵: ۳۰۰)

رباعی ۱۱۵۳ ☞ سید حسن غزنوی).

رباعی: «دیوان سید حسن ندارد. در مونس الاحرار (ج ۲ ص ۱۲۰۹) بی‌نام شاعر آمده»
(همان: ۳۰۰).

منبع دیگر: سفینه تبریز، (۷۲۱ ق) در صص: ۲۶۷ و ۳۰۲ منسوب به قطب‌الدین
عتیقی است.

نکته: در سفینه تبریز این رباعی با نزهة المجالس شباهت کامل دارد.

مآخذ نویافته ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۰۷

۶.۲.۱.۲ (ش: ۶۶۰) نسخه: فذ، خب، مق

آن روز که مهرگان گردون زده‌اند مهر زر عاشقان دگرگون زده‌اند
واقف نشوی به عقل تا چون زده‌اند کاین زر ز سرای عقل بیرون زده‌اند

📖 ← «کار مهر»، «عاشقی» (شروانی ۱۳۷۵: ۲۴۰، رباعی ۶۹۶ ☞ سنایی)

ریاحی: «دیوان سنایی، ص ۵۸۹» (همان: ۲۴۰).

منابع دیگر: نسخه خطی کلیات سنایی شماره ۱۳۴ (۶۸۴ق) دانشگاه تهران ص: ۳۰۹

هر دوبیت این رباعی در روح‌الارواح و مقامات ژنده پیل آمده است.

(سمعانی ۱۳۸۴: ۵۵ و ۱۶۲)، (غزنوی ۱۳۸۴: ۴۵)

۷.۲.۱.۲ (ش: ۶۷۳) نسخه: فذ، چت، خب، مق

آنها که دل از الست مست آوردند جان را ز عدم عشق پرست آوردند
از دل بنهادند قدم بر سر جان تا یک دم پر درد به دست آوردند

📖 ← «خود»، «دور به‌رست»، «از دیده نهادند»، «دل دیوانه» (شروانی ۱۳۷۵: ۶۷۸)

رباعی ۴۰۶۷ ☞ ناشناس)

منبع دیگر: این رباعی در سفینه تبریز، (۷۲۱ق) ص: ۲۹۸ منسوب به امام فخرالدین

رازی است.

۸.۲.۱.۲ (ش: ۷۶۳) نسخه: چت، فا، خب، مق

افسوس که طبع دلفروزی نبود جز دلشکنی و سینه سوزیت نبود
من داده بدم به تو دل و دیده و جان تو برده بدمی، و لیک روزیت نبود

📖 ← «پرده‌دری» (شروانی ۱۳۷۵: ۶۰۸، رباعی ۳۷۵۷ ☞ ناشناس)

ریاحی: «دیوان سید حسن غزنوی ص ۳۳۳» (همان: ۶۰۸).

۹.۲.۱.۲ (ش: ۸۶۹) نسخه: ، فذ، چت، خب

دل هر چه در آشکار و پنهان گوید زان زلف چو مشک عنبرافشان گوید
این آشفته است و آن پریشان، دانم کاشفته سخنهای پریشان گوید

📖 «ز»، «دراز» (همان: ۳۲۸، رباعی ۱۳۷۹) ناشناس

۱۰.۲.۱.۲ (ش: ۸۹۴) نسخه: ، فذ، چت، خب، مق

هر دم دل خسته را برنجانند یار یا سنگدل است یا نمی‌داند یار
از دیده به خون نبشته ام قصه خویش می بیند و هیچ بر نمی‌خواند یار

📖 «بر چهره نبشته‌ام به خون» (همان: ۵۸۸، رباعی ۳۳۸۷) ناشناس

۱۱.۲.۱.۲ (ش: ۹۴۲) نسخه: چت، خب، مق، فا

من بودم و دوش آن بت جان افراز از من همه لابه بود و از وی همه ناز
شب رفت و حدیث ما به پایان نرسید شب را چه گنه حدیث ما بود دراز

📖 «من بودم دوش و»، «عشرت ساز» (همان: ۶۰۹، رباعی ۳۵۴۶) ناشناس

۱۲.۲.۱.۲ (ش: ۹۴۸) نسخه: فذ

من بودم دوش و آن بت بنده نواز از من همه لابه بود و از وی همه ناز
شب رفت و حدیث ما به پایان نرسید شب را چه گنه حدیث ما بود دراز

📖 «عشرت ساز»

ریاحی: «این رباعی بسیار معروف را نفیسی جزو رباعیات ابوسعید (ش ۳۳۵) از منابع متأخر نقل کرده، بیت دوم جزو یک رباعی در دیوان همام تبریزی (ص ۲۴۱) وارد شده و همان بیت درسندبادنامه (ص ۷۵) در اغراض السیاسة (ص ۲۴۴) در نفثة‌المصدر (ص ۱۱۱) آمده» (همان: ۶۰۹).

منابع دیگر: (احمد غزالی ۱۳۷۶: ۲۱۴)

سفینه تبریز، (۷۲۱ ق) این رباعی در دو قسمت آمده است: یک‌بار ص: ۳۰۰ هردو بیت آن از سراینده‌ای نامعلوم، و بار دیگر در ص: ۲۷۰ بیت دوم آن در یک رباعی دیگر منسوب به همام تبریزی است.

در نسخه برگردان دستنویس کتاب رسائل العشاق و وسائل المشتاق (۶۸۵ ق)، بیت دوم

این رباعی بدون ذکر نام گوینده آمده است. (سیفی نیشابوری ۱۳۹۹: ۷۸)

مآخذ نویافتهٔ ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۰۹

۱۳.۲.۱.۲ (ش: ۹۷۸) نسخه: فذ، چت، خب، فا

جانا صفت قدم ز ابروت پیرس آشفته‌گیم ز زلف هندوت پیرس
حال دلم از دهان تنگت بطلب بیماری من ز چشم جادوت پیرس

📖 ← «شوریدگیم»، «بی‌خوابیم از نرگس» (شروانی ۱۳۷۵: ۳۵۳ رباعی ۱۵۸۴) 📖
(ناشناس)

۱۴.۲.۱.۲ (ش: ۱۰۰۳) نسخه: فذ، مق، خب، فا

آن‌کس که نظر کند به چشم مستش از رشک دعای بد کنم پیوست
وانکس که به انگشت نماید رخ او گر دست‌رسم بود ببرم دستش

📖 ← «هر»، «نگه»، «رخت بنماید» (همان: ۵۴۰ رباعی ۳۰۳۳) 📖
(ناشناس)

۱۵.۲.۱.۲ (ش: ۱۰۶۵) نسخه: فذ، چت، خب، مق

هر روز به نو برآید این دلبر عشق در گردن ما درافکند دفتر عشق
این خار از آن نهاد حق بر در عشق تا دور شود هر کی ندارد سر عشق

📖 ← «آن زرگر»، «محنت»، «زیور»، «احداد»، «نهاده‌اند»، «بگریزد»، «که» (همان: ۲۴۱ رباعی ۷۰۵) 📖
(سنایی)

۱۶.۲.۱.۲ (ش: ۱۱۴۵) نسخه: فذ، چت، خب، مق، فا

با زلف تو گر دست درازی کردم والله که حقیقت نه مجازی کردم
من در سر زلف تو بدبدم دل خویش پس با دل خویش عشقبازی کردم

📖 ← «بشنو به»، «در زلف تو دیدم دل شوریدهٔ خویش» (همان: ۵۴۶ رباعی ۳۰۷۷) 📖
(ناشناس)

۱۷.۲.۱.۲ (ش: ۱۲۵۸) نسخه: فذ، چت، خب، مق، فا

تا ظن نبری که من کم می بینم بی زحمت دیده هر دمت می بینم
در وهم نیاید و صفت نتوان کرد آن شادیه‌ها که از غمت می بینم

۳۱۰ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

📖 «کم»، «وصف نگنجد»، «داد»، (شروانی ۱۳۷۵: ۲۷۸ رباعی ۹۸۷) 📖
رضی نیشابوری)

ریاحی: «دیوان اوحدالدین کرمانی، رباعی ۱۷۸۷» (همان: ۲۷۸)

۱۸.۲.۱.۲ (ش: ۱۲۶۰) نسخه: فذ، چت، خب، مق، فا

آمد شد خود، به کوی تو می بینم میل دل و دیده، سوی تو می بینم
گیرم که همه جرم جهان من کردم آخر، نه جهان به روی تو می بینم

📖 «منزلگه»، «دارم» (شروانی ۱۳۷۵: ۵۷۷ رباعی ۳۳۰۳ 📖 ناشناس)

۱۹.۲.۱.۲ (ش: ۱۲۶۱) نسخه: فذ، چت، خب، مق، فا

چندانکه به کار خود فرو می بینم بی دیده‌گی خویش نکو می بینم
تا زحمت چشم خود چه خواهم کردن اکنون چو جهان به چشم او می بینم

📖 «با»، «من»، «خواهد» «که همه جهان بدو» (همان: ۵۱۹ رباعی ۲۸۷۱) 📖
مجیرالدین بیلقانی)

ریاحی: «دیوان مجیر ص ۴۰۹ مصراع سوم: با زحمت چشم خود چه خواهم کردن»
(همان: ۵۱۹).

منبع دیگر: نسخه شماره ۱۷۰، دیوان مجیر، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ص: ۱۹۲
نکته: این رباعی در نسخه شماره ۱۷۰ از دیوان مجیر شباهت کامل با دیوان کبیر دارد.

۲۰.۲.۱.۲ (ش: ۱۲۸۹) نسخه: فذ، عد، چت، خب، مق

سر در سر خاک آستان تو نهم دل در خم زلف دلستان تو نهم
جانم به لب آمده است لب پیش من آر تا جان به بهانه در دهان تو نهم

📖 «بر»، «یک بوسه بیار» (همان: ۴۰۱ رباعی ۱۹۷۵) 📖 کمال الدین اسماعیل اصفهانی)

ریاحی: «دیوان کمال اسماعیل ص ۹۳۵ ش ۶۹۶» (همان: ۴۰۱)

نکته: این رباعی در دیوان کمال‌الدین اسماعیل تطبیق و شباهت کامل با
نزهة المجالس دارد.

مآخذ نویافته ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۱۱

۲۱.۲.۱.۲ (ش: ۱۴۴۴) نسخه: فذ، عد، چت، خب، مق، فا

در راه نیاز فرد باید بودن پیوسته حریف درد باید بودن
مردی نبود گریختن سوی وصال در روز فراق مرد باید بودن

📖 ← «اندر ره عشق»، «همواره قرین»، «که در وصال آویزی» (همان: ۲۴۸ رباعی ۷۶۱
فخرالدین مبارکشاه)

منابع دیگر: (سمعانی ۱۳۸۴: ۲۲۸)

نکته: این رباعی در کتاب روح‌الارواح سماعی تطبیق و شباهت کامل با
نزهة‌المجالس دارد.

۲۲.۲.۱.۲ (ش: ۱۴۵۴) نسخه: چت، خب، مق

ای عادت تو خشم و جفا ورزیدن وز چشم تو شاید این سخن پرسیدن
زین گونه که ابروی تو با چشم خوش است او را ز چه رو نمی‌تواند دیدن؟

📖 ← «چشم تو»، «از»، «سخنی»، «چه سبب» (شروانی ۱۳۷۵: ۳۴۳ رباعی ۱۵۱۰: ۱۵۱۰
اسعد گنجه‌ای)

۲۳.۲.۱.۲ (ش: ۱۵۲۲) نسخه: فذ، چت، خب، مق، فا

ترکی که دلم شاد کند خنده او دارد به غم زلف پراکنده او
بستد ز من او خطی به آزادی خویش و آورد خطی که من شدم بنده او

📖 ← «مرا»، «سرافکنده»، «از من بستد» (شروانی ۱۳۷۵: ۳۶۱ رباعی ۱۶۴۹: ۱۶۴۹
جمال‌الدین عبدالرزاق)

منبع دیگر: سفینه تبریز، (۷۲۱ق) ص: ۳۰۳ متعلق به جمال‌الدین عبدالرزاق است.

۲۴.۲.۱.۲ (ش: ۱۶۱۰) نسخه: فذ، چت، خب، مق

دی، از سر سودای تو من شوریده رفتم به چمن جامه چو گل بدریده
از جمله خوشی‌های بهارم بی‌تو جز آب روان نیامد اندر دیده

📖 «سودات»، «سوی باغ، پیرهن» (شروانی ۱۳۷۵: ۲۲۴ رباعی ۵۹۱) 📖
رفیع‌الدین بکرانی

۲۵.۲.۱.۲ (ش: ۱۷۵۴) نسخه: فذ، چت، خب، مق

در دل نگذشت کز دلم بگذاری یا رخت فتاده در گلم بگذاری
بسیار زدم لاف تو با دشمن و دوست ای وای به من گر خجلم بگذاری

📖 «افسوس بود» (همان: ۵۸۵ رباعی ۳۳۶۷) 📖 (اشهری)

۲.۲ شباهت در سه مصرع

تعداد پنج رباعی از رباعیات مشترک نزهةالمجالس و دیوان کبیر در سه مصرع به یک‌دیگر شباهت دارند. اما در اغلب موارد مصرع متفاوت از رباعی دیوان کبیر نیز، از نظر مضمون و محتوا اقتباسی از همان مصرع از رباعی مذکور در نزهةالمجالس است:

۱.۲.۲ (ش: ۲۲۲) نسخه: چت، فذ، خب، مق

جانی که به راه عشق تو در خطر است بس دیده ز جاهلی در او نوحه گر است
حاصل، چشمی که بیندش شناسد کو را بر رخ هزار صاحب خبر است

↓ 📖

در عشق تو دل برفت و جان بر خطر است زیرا که دو دیده بر سرم نوحه گر است
من عشق تو را چگونه دارم پنهان کز دیده به دل هزار صاحب خبر نظر است
(همان: ۵۲۸ رباعی ۲۹۴۲) 📖 (ناشناس)

۲.۲.۲ (ش: ۹۸۱) نسخه: چت، فذ، خب، مق

دلدار چنان مشوش آمد که می‌پرس هجرانش چنان پر آتش آمد که می‌پرس
گفتم که: مکن گفت: مکن تا نکنم این یک سخنم چنان خوش آمد که می‌پرس

↓ 📖

معشوقه چنان مشوش آمد که می‌پرس در بردن دل چنان کش آمد که می‌پرس
گفتم که: مکن گفت: مکن تا نکنم این یک سخنم چنان خوش آمد که می‌پرس

مآخذ نویافتهٔ ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۱۳

(شروانی ۱۳۷۵: ۴۸۶ رباعی ۲۶۲۴ ☞ صدر خجندی)

منابع دیگر: بیت دوم از این رباعی در جوامع الحکایات و لوامع الروایات محمد عوفی آمده است. (عوفی ۱۳۵۳: ۶۸۵).

۳.۲.۲ (ش: ۱۵۶۵) نسخه: چت، فذ، خب، مق

هرچند که قدّ بی بدل دارد سرو	پیش قد یارم چه محل دارد سرو؟
گه گه گوید که: قدّ من چون قد اوست	یارب چه دماغ با خلل دارد سرو!



هرچند که قدّ بی بدل دارد سرو	پیش قد یارم چه محل دارد سرو؟
گوید که: قدم از قد یارت چه کم است؟	وه وه! چه دماغی به خلل دارد سرو!

(شروانی ۱۳۷۵: ۳۷۸ رباعی ۱۷۸۷ ☞ مبارکشاه غوری)

منبع دیگر: جنگ شمارهٔ ۲۷۵ (۶۸۱ ق) دانشگاه تهران، ص: ۱۹ بی‌نام سراینده آمده است.

نکته: این رباعی در جنگ شمارهٔ ۲۷۵ با تفاوتی جزئی شبیه دیوان کبیر است.

۴.۲.۲ (ش: ۱۶۰۸) نسخه: چت، خب، مق، فا

ای آنکه به جان این جهانی زنده	شرمت بادا چرا چنانی زنده
بی عشق مباح تا نباشی مرده	در عشق بمیر تا بمانی زنده



روزی دو سه، تا در این جهانی زنده	شرمت بادا اگر به جانی زنده
بی عشق مباح تا نباشی مرده	در عشق بمیر تا بمانی زنده

(شروانی ۱۳۷۵: ۲۵۰ رباعی ۷۷۴ ☞ شیخ احمد غزالی)

منابع دیگر: نسخهٔ مجموعهٔ ۲۷۰ (۶۸۷ ق) دانشگاه تهران (ص: ۶۳) در رساله‌ای از نجم‌الدین کبری آمده است.

عین القضاة نیز در تمهیدات این‌گونه آورده است:

روزی دو که اندر این جهانم زنده شرمم بادا اگر به جانم زنده

آن لحظه شوم زنده که پیشت میرم و آن دم میرم که بی تو مانم زنده
(عین القضاة همدانی ۱۳۷۷: ۹۸)

در مکتوبات مولوی نیز هر دو بیت این رباعی آمده است که بیت اول آن به
نزهةالمجالس نزدیک است:

روزی دو سه کاندر این جهانی زنده حیف است دلا اگر به جانی زنده
(مولوی ۱۳۷۱: ۸۸)

عطار نیز اقتباسی از این رباعی غزالی دارد:

ای مانده به جان این جهانی زنده تا کی باشی به زندگانی زنده
چون زیستن تو مرگ تو خواهد بود نامرده بمیر تا بمانی زنده
(عطار، ۱۳۵۸: ۵۲ رباعی ۳۸)

۵.۲.۲ (ش: ۱۹۱۷) نسخه: چت، خب، مق، عد، فذ

دل کیست؟ همه کار و کیایش تویی نیک و بد و کفر و پارسایش تویی
گر کز نگرد دیده من، من چه کنم؟! از خود گله کن، که روشنائیش تویی



دل را، که همه کار و کیایش تویی نیک و بد و فسق و پارسایش تویی
گر دیده من به جز تو در کس نگرد از خود گله کن، که روشنائیش تویی
(شروانی ۱۳۷۵: ۵۲۰ رباعی ۲۸۸۱ ☞ ناشناس)

۳.۲ شباهت در دو مصرع

تعداد ۱۵ رباعی از رباعیات مشترک نزهةالمجالس و دیوان کبیر، فقط در دو مصرع به یکدیگر شباهت دارند، البته در اغلب موارد مصرع‌های متفاوت در این ۱۵ رباعی از نظر محتوا و مضمون بسیار به یکدیگر نزدیک هستند و همچنان که پیشتر نیز به آن اشاره شد، مولانا ابیات زیادی را از شعرای پیش از خود در خزانه سرشار ذهن خویش همیشه آماده

مآخذ نویافتهٔ ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۱۵

از بر داشته و متناسب با شرایط مخاطبان خویش، گاهی بخشی از یک رباعی را از نظر محتوا اقتباس، و و بخش دیگر آن رباعی را هم عیناً تکرار می‌کند:

۱.۳.۲ (ش: ۱۱۵) نسخه: چت، خب، مق، فذ

بی یار نماند هر که با یار بساخت	مفلس نشد آنکه با خریدار بساخت
مه نور از آن گرفت کز شب نرمید	گل بوی از آن یافت که با خار بساخت



آسوده دلی که با غم یار بساخت	در کام رسید هر که با کار بساخت
مه نور بدان گرفت کز شب نرمید	گل بوی بدان یافت که با خار بساخت

(همان: ۲۴۹ رباعی ۷۶۷ صدر خجندی)

ریاحی: «در مرزبان‌نامه (ص ۲۴۶) آمده است» (همان: ۲۴۹).

۲.۳.۲ (ش: ۴۰۹) نسخه: فذ، چت، خب، مق

حسنت که همه جهان فسونش بگرفت	درد حسد حسود چونش بگرفت
سرخی رخت ز گرمی و خشکی نیست	از بس عاشق که کشت خونش بگرفت



چشمت که جهان جمله فسونش بگرفت	خواهی که بگویمت، که چونش بگرفت
آن سرخی چشم، از تبش صفرا نیست	عشاق ز بس که کشت خونش بگرفت

(شروانی ۱۳۷۵: ۴۴۲ رباعی ۲۲۸ سنایی)

منابع دیگر: (مهستی ۱۳۹۱: ۶۵)

این رباعی در سفینهٔ تبریز، (۷۲۱ق) ص: ۲۶۶ منسوب به مهستی است و با کمی تفاوت

این گونه آمده:

چشم تو که صد بند و فسونش بگرفت	درد دل من نگر که چونش بگرفت
آن سرخی چشم، از تبش صفرا نیست	عشاق بسی بکشت خونش بگرفت

۳.۳.۲ (ش: ۵۰۹) نسخه: چت، خب

گر خواب آید دل کبابش ببرد
می آید آب دیده، می ناید خواب
چون ظلمت شب که آفتابش ببرد
ترسد که اگر بیاید، آبش ببرد



خرم دل آن کس که خوابش ببرد
می آید آب چشم و می ناید خواب
یا خواب غم از دل خرابش ببرد
می ترسد اگر درآید آبش ببرد
(شروانی ۱۳۷۵: ۶۴۹ رباعی ۳۸۵۱ ناشناس)

۴.۳.۲ (ش: ۵۱۰) نسخه: چت، خب

شاد آنکه جمال ماهتابش ببرد
می آید آب دیده، می ناید خواب
ساقی کرم مست و خرابش ببرد
ترسد که اگر بیاید، آبش ببرد



خرم دل آن کس که خوابش ببرد
می آید آب چشم و می ناید خواب
یا خواب غم از دل خرابش ببرد
می ترسد اگر درآید آبش ببرد
(همان: ۶۴۹ رباعی ۳۸۵۱ ناشناس)

۵.۳.۲ (ش: ۶۰۷) نسخه: فذ، خب، مق

ای دوست بهر سخن کسی یار کشد
خود دوست مگیر، دشمنی گیر مرا
وانگاه چه یار؟ یار غمخوار کشد؟!
کس دشمن خویش را چنین زار کشد؟!



ای دوست، کسی بی سببی یار کشد
خود دوست مگیر، دشمنی گیر مرا
وانگه چو منی یار وفادار کشد؟!
کس دشمن خویش را چنین زار کشد؟!
(شروانی ۱۳۷۵: ۵۸۳ رباعی ۳۳۴۸ ناشناس)

۶.۳.۲ (ش: ۶۲۷) نسخه: فذ، چت، فاء، خب

بار دگر این خسته جگر باز آمد
از شوق تو بر مثال جانهای غریب
بیچاره به پا رفت و به سرباز آمد
سوی ملک از کوی بشر باز آمد

مآخذ نویافتهٔ ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۱۷

۷.۳.۲ (ش: ۶۲۸) نسخه: فذ

بار دگر این خسته جگر باز آمد
بیچاره به پا رفت و به سر باز آمد
زحمت ز شکر بود و مگس را می‌راند
صبرش نبد و سوی شکر باز آمد



چاکر به درت خسته جگر باز آمد
درمانده و ناخوانده، زدر باز آمد
این شوخ گریزپا، دگر باز آمد
بیچاره به پا رفت و به سر باز آمد
(همان: ۵۳۵ رباعی ۲۹۹۱ ☞ سید حسن غزنوی)

ریاحی: «دیوان سید حسن ندارد» (همان: ۵۳۵).

منابع دیگر: (سهروردی، ۱۳۸۰: ۲۷۱) دو مصرع اول و چهارم از رباعی ۲۹۹۱
نزهةالمجالس.

نسخهٔ خطی مجموعهٔ ۲۷۰ دانشگاه تهران (۶۸۶ق) رسالهٔ مونس العشاق ص: ۴
یک بیت اول این رباعی آمده است.

نسخهٔ دیوان شفروه به شماره ۱۴۱۵ (۱۰۲۷ ق) دانشگاه تهران، ص: ۸۶

نکته: این رباعی در نسخهٔ دیوان شفروه در هر دو بیت مانند رباعی ۲۹۹۱
نزهةالمجالس است.

۸.۳.۲ (ش: ۱۰۰۴) نسخه: فذ، خب، مق

ای عشق بیا به تلخ خویان خو بخش
ای پشت جهان به حسن چوپان رو بخش
از باغ جمال تو چه کم خواهد شد
زان سبب زنخدان، دو سه شفتالو بخش



زان سنبیل تازه، نافهٔ آهو بخش
دل را، جانمی ز نرگس جادو بخش
از باغ جمال تو چه کم خواهد شد
ای سبب زرخ، هان! دو سه شفتالو بخش!
(شروانی ۱۳۷۵: ۳۹۸ رباعی ۱۹۴۹ ☞ فخرالدین مبارکشاه)

منابع دیگر: (بهاء‌ولد، ۱۳۸۲: ج ۱: ۱۰۸) بیت دوم این رباعی آمده است.

۹.۳.۲ (ش: ۱۴۴۳) نسخه: خب، مق

این رباعی در دیوان کبیر یک بیت است:

ای شیوهٔ نرگس تو بیمار شدن
ای ملت من در غم تو زار شدن



ای شیوهٔ نرگس تو بیمار شدن
زان شب، که شراب وصل تو مستم کرد
وی پیشهٔ من ز هجر تو زار شدن
دیوانه شدم، ز بیم هشیار شدن
(شروانی ۱۳۷۵: ۱۳ رباعی ۳۵۸۱ ☞ ناشناس)

۱۰.۳.۲ (ش: ۱۵۷۸) نسخه: فذ، چت، خب، مق

مانند توم در دو جهان کیست؟ بگو
وان کیست که بی امید تو زیست؟ بگو
من بد کنم و تو بد مکافات کنی
پس فرق میان من و تو چیست؟ بگو

۱۱.۳.۲ (ش: ۱۵۷۹) نسخه: فذ، چت، خب، مق

ای جان جهان جز تو کسی کیست؟ بگو
بی جان و جهان هیچ کسی زیست؟ بگو
من بد کنم و تو بد مکافات دهی
پس فرق میان من و تو چیست؟ بگو



بی جرم و گناه، در جهان کیست؟ بگو
یا جرم نکرده، در جهان کیست؟ بگو
من بد کردم و تو بد مکافات کنی
پس فرق میان من و تو چیست؟ بگو
(شروانی ۱۳۷۵: ۵۶۴ رباعی ۳۲۱۰ ☞ ناشناس)

ریاحی: «دیوان اوحدالدین کرمانی، ش ۱۳۷۴ در منابع متأخر به نام خیام آمده»
(همان: ۵۶۴)

نکته: البته با توجه به نسخ کهن از رباعیات خیام باید بگوییم که در منابع متقدم به نام خیام آمده است.

منابع دیگر: مجموعه شماره ۸۳۳ (۶۰۴ ق) دانشگاه تهران، بخش رباعیات خیام ص: ۸۴
این گونه آمده است:

ناکرده گنه در جهان کیست بگوی
وانکس که گنه نکرد چون زیست بگوی

مأخذ نویافته ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۱۹

من بد کنم و تو بد مکافات دهی پس فرق میان من و تو چیست؟ بگوی
سفینه تبریز، (۷۲۱ق) ص: ۲۹۶ در قسمت رباعیات در گفتار شیخ اوحدالدین کرمانی
آمده است:

بی جرم در این جهان توان زیست بگو ناکرده گنه در جهان کیست بگو
من بد کنم و تو بد دهی پاداشم پس فرق میان من و تو چیست؟ بگو
نکته: با توجه به اینکه نسخه مجموعه ۸۳۳ (۶۰۴ق) دانشگاه تهران اقدام است این رباعی
انتسابش به خیام اقوی است، بنابراین مولانا و اوحدالدین هر دو از این رباعی
اقتباس کرده‌اند.

آقای صادری در رساله دکتری خویش (۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۲۳) این رباعی را به
اوحدالدین کرمانی نسبت داده‌اند که با توجه به قدمت نسخه ۸۳۳ دانشگاه تهران قطعاً
انتسابی نادرست است.

۱۲.۳.۲ (ش: ۱۶۶۷) نسخه: فذ، چت، خب، مق

خود را چو دمی ز یار محرم یابی در عمر نصیب خویش آن دم یابی
زنهار که ضایع نکنی آن دم را زیرا که چنان دمی دگر کم یابی



یک دم ز زمانه گر مسلم یابی یا نیم دمی باده دمادم یابی
مگذار که ضایع شود آن دم، زنهار زیرا که چنان دمی دگر کم یابی
(شروانی: ۱۳۷۵: ۱۷۷ رباعی ۲۴۰ صدر خجندی)

ریاحی: «بیت دوم در دیوان اوحدالدین کرمانی: ش: ۶۵۵» (همان: ۱۷۷).
نکته: این رباعی در دیوان کبیر و دیوان اوحدالدین کرمانی تقریباً شباهت کامل به
یکدیگر دارند.

۱۳.۳.۲ (ش: ۱۸۱۵) نسخه: فذ، چت، خب، مق

تا درد نیابی تو به درمان نرسی تا جان ندهی به وصل جانان نرسی
تا همچو خلیل اندر آتش نروی چون خضر به سرچشمه حیوان نرسی



بی کفر به پایگاه ایمان نرسی بی جان دادن به وصل جانان نرسی
بس نادره رسمی است، که در عالم عشق چون درد رها کنی، به درمان نرسی
(همان: ۱۴۱ رباعی ۳ ☞ اوحدالدین کرمانی)

منابع دیگر: نسخه شماره ۱۷۰ دانشگاه تهران بخش دیوان اثیرالدین اخسیکتی ص: ۵۳۲
یک رباعی با شباهت نسبی در قوافی، محتوا و یک مصرع، این گونه آمده است:

با صحبت جان به وصل جانان نرسی بر مور نشسته بر سلیمان نرسی
این قصه به پایان نرسد تا ز محنت تو پیشتر از قصه به پایان نرسی

۱۴.۳.۲ (ش: ۱۹۳۰) نسخه: فذ، چت، خب، مق

اندر ره حق چو چست و چالاک شوی نور فلکی باز بافلاک شوی
عرش است نشیمن تو شرمت ناید چون سایه مقیم خطه خاک شوی؟



ای دل، ز غبار جسم اگر پاک شوی تو روح مجردی بر افلاک شوی
عرش است نشیمن تو، شرمت ناید کآیی و مقیم عرصه خاک شوی؟
(شروانی ۱۳۷۵: ۲۴۶ رباعی ۷۴۹ ☞ فخر رازی)

منابع دیگر: (جوینی، ۱۳۹۲ ج ۲ ص ۱۷) در تاریخ جهانگشای جوینی به
شیخ احمد بدیلی منسوب است.

در روضه‌الکتاب (قونیوی ۱۳۴۹: ۱۰۴) فقط بیت دوم این رباعی آمده است.

(بابا افضل کاشانی ۱۳۱۱: ۱۷۴ رباعی ۴۲۵)

(اوحدالدین کرمانی ۱۳۶۶: ۱۸۶ رباعی ۷۴۶)

در سفینه تبریز (۷۲۱ق) ص: ۲۹۴ به شیخ اوحدالدین کرمانی و باز در همین مجموعه
ص: ۲۹۸ به امام فخرالدین رازی منسوب است.

نسخه خطی شماره ۴۵۹۵ ترجمه عوارف المعارف سهروردی (۷۲۳ق) ص: ۲۵

نکته: در نسخه خطی عوارف المعارف این رباعی شباهت کامل به رباعی ۷۴۹

نزهةالمجالس دارد.

مآخذ نو یافته ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۲۱

۱۵.۳.۲ (ش: ۱۹۶۲) نسخه: فذ

مائم در این زمان زمین پیمایی
چون کشتی یاوه گشته در دریایی
بگذاشته هر شهر به شهر آرایسی
هر روز به منزلی و هر شب جایی



مائم در این زمان زمین پیمایی
بی دیده و دل بمانده در سودایی
بگذاشته هر شهر به شهر آرایسی
تن جایی و دل جایی و دلیر جایی

(شروانی ۱۳۷۵: ۲۷۰ رباعی ۹۲۵ ☞ ناشناس)

منابع دیگر: در کتاب التوسل الی التوسل. (بهاءالدین بغدادی ۱۳۸۵: ۳۵۲)، دو مصرع دوم و چهارم این رباعی از نزهةالمجالس این گونه آمده است:

بگذاشته هر شهر به شهر آرایسی
دل جایی و تن جایی و دلیر جایی

۴.۲ شباهت در یک مصرع

تعداد ۹ رباعی از رباعیات مشترک نزهةالمجالس و دیوان کبیر، فقط در یک مصرع شباهت دارند، البته دو رباعی شماره ۲۸۱ و ۳۹۸ از دیوان کبیر در منابع متأخر دیگر، به طور کامل و شباهت در هر چهار مصرع، یافت شدند. در ۷ رباعی دیگر، مولانا مصرع اصلی یا همان شاه مصرع یک رباعی را از شاعری دیگر أخذ کرده و با حفظ مضمون رباعی دیگری را متناسب با ذوق و سبک منحصر به فرد خویش سروده است.

۱.۴.۲ (ش: ۲۸۱) نسخه: فذ، چت، خب، مق

در کوی غم تو صبر بیفرمانست
دل را ز تو دردهای بیدرمانست
در دیده ز اشک تو بر او حرمانست
با این همه راضیم سخن در جانست



درد توام ای عهد شکن، در جان است
دل بردی و دیده خون شد و تن بگداخت
غم در دی باشد و آن من در جان است
با این همه راضیم سخن در جانست

(شروانی ۱۳۷۵: ۵۷۹ رباعی ۳۳۱۸ ☞ مجیرالدین بیلقانی)

ریاحی: «دیوان مجیر ص ۲۹۰» (همان: ۵۷۹).

۳۲۲ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

منابع دیگر: (مجیرالدین بیلقانی، ۱۳۵۸: ۳۹۰ رباعی ۲۷ و ۲۸)

نسخه شماره ۱۷، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ص: ۱۹۱ در قسمت دیوان مجیر نیز آمده است.

نکته: در دیوان مجیرالدین بیلقانی، رباعی شماره ۲۷ در یک مصرع و رباعی شماره ۲۸ در هر چهار مصرع به رباعی ۲۸۱ دیوان کبیر شباهت کامل دارد. رباعی ۲۸ از نسخه خطی شماره ۱۷۰ دانشگاه تهران آمده است که نسخه اساس تصحیح این دیوان می‌باشد. بنابراین رباعی ۲۸۱ دیوان کبیر به طور کامل متعلق به مجیرالدین بیلقانی است.

۲.۴.۲ (ش: ۳۹۸) نسخه: فذ، چت، خب، مق

ما را به دم پیر نگه نتوان داشت
در خانه دلگیر نگه نتوان داشت
آنها که سر زلف چو زنجیر بود
در خانه به زنجیر نگه نتوان داشت



در عشق تو حال خود تبه نتوان داشت
وین خیره‌کشی از تو گنه نتوان داشت
زنجیر سر زلف تو هر دل که بدید
در سینه، به زنجیر نگه نتوان داشت
(شروانی ۱۳۷۵: ۳۲۵ رباعی ۱۳۵۱ ش شهریاری)

منابع دیگر: (مهستی ۱۳۴۷: ۳۶ رباعی ۲۱)

(ظهیرالدین فاریابی ۱۳۸۱: ۲۶۳ رباعی ۲۰)

نسخه شماره ۲۴۴ (۸۴۰ق) از دیوان ظهیر، دانشگاه تهران، ص: ۱۶۲
نکته: در دیوان چاپی و نسخه خطی دیوان ظهیرالدین فاریابی، این رباعی شباهت کامل به نزهة‌المجالس دارد، اما در دیوان مهستی در هر چهار مصرع شباهت کامل به رباعی ۳۹۸ در دیوان کبیر دارد. در دیوان مهستی در مصرع دوم به جای خانه دلگیر، حجره دلگیر آمده است.

۳.۴.۲ (ش: ۴۴۸) نسخه: فذ، چت، خب

ای سر روان باد خزانست مرساد
ای چشم جهان چشم بدانست مرساد
ای آنکه تو جان آسمانی و زمین
جز رحمت و جز راحت جانست مرساد



مآخذ نویافته ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۲۳

ای چشم جهان چشم جهانت مرساد دردی به دو چشم ناتوانت مرساد
خون دل یاقوت، مگیراد لبث دود دل لاله در رخانت مرساد

(شروانی ۱۳۷۵: ۵۰۹ رباعی ۲۸۰۳ صدر خجندی)

۴.۴.۲ (ش: ۸۳۴) نسخه: فذ

دُر می طلبی ز چشمه دُر بر ناید جوینده در به قعر دریا باید
این گوهر قیمتی کسی را شاید کز آب حیات تشنه بیرون آید



اسرار خرابات کسی را شاید کاین کون و مکان به چشمش اندر ناید
از چشمه معرفت کسی آب خورد کز آب حیات تشنه بیرون آید

(شروانی ۱۳۷۵: ۱۵۴ رباعی ۹۹ شیخ احمد جام)

۵.۴.۲ (ش: ۹۳۸) نسخه: فذ، چت، خب، مق

دل آمد و گفت هست سوداش دراز شب آمد و گفت زلف زیباش دراز
سرو آمد و گفت قد و بالاش دراز او عمر عزیز ماست گو باش دراز



شد قامت آن دلبر جمّاش دراز واندر حق او، زیان او باش دراز
گویند مرا که: گشت بالاش دراز او عمر عزیز ماست، گو باش دراز

(شروانی ۱۳۷۵: ۴۶۰ رباعی ۲۴۲۲ ناشناس)

منبع دیگر: یک رباعی در دیوان شرف‌الدین شفروه در نسخه شماره ۱۴۱۵ دانشگاه تهران (۱۰۲۷ق) ص: ۱۹۵ آمده است که در مضمون و بیت آخر تقریباً شبیه رباعی فوق در نزهةالمجالس و دیوان کبیر است.

۶.۴.۲ (ش: ۱۱۱۶) نسخه: فذ، عد، چت، خب، مق

تا ظن نبری که از تو بگریخته ام یا با دگری جز تو درآمیخته ام
بر بسته نیم ز اصل انگیخته ام چون سیل به بحر یار در ریخته ام



تا ظنن نبیری که از تو بگریخته‌ام
یا جز هوست، خیالی انگیخته‌ام
من مهر تو، چون سیه‌سپیدی در چشم
با جان ز میان دل برآمیخته‌ام
(شروانی ۱۳۷۵: ۶۰۰ رباعی ۳۴۷۵ ☞ ناشناس)

۷.۴.۲ (ش: ۱۱۵۴) نسخه: فذ، چت، خب، مق، فا

دل داد مرا که دلستان را بزدم
آن را که نواختم، همان را بزدم
جانی که بدو زنده‌ام و خندانم
دیوانه شدم چنانکه جان را بزدم

۸.۴.۲ (ش: ۱۱۵۵) نسخه: فذ، چت، خب، مق

از شور و جنون رشک جنان را بزدم
ز آشفته دلی راحت جان را بزدم
دل داد مرا که دلستان را بزدم
و آن را که نواختم همان را بزدم



دل داد مرا که دلستان را بزدم
در عشق تو، گفته‌ام که: جانی بزنم
وان قد چو سرو بوستان را بزدم
آن قول درست گشت، جان را بزدم
(شروانی ۱۳۷۵: ۵۴۹ رباعی ۳۰۹۹ ☞ ناشناس)

۹.۴.۲ (ش: ۱۲۷۸) نسخه: فذ، چت، خب، مق

بوی دهن تو از چمن می‌شنوم
رنگ تو ز لاله و سمن می‌شنوم
این هم چو نباشدم لبان بگشایم
تا نام تو می‌گوید و من می‌شنوم



بوی خوشت ز پیرهن می‌شنوم
که وصف رخت ز خویشان می‌شنوم
چون هیچ نباشد، کسکی بنشانم
تا نام تو می‌گوید و من می‌شنوم
(همان: ۶۲۵ رباعی ۳۶۷۲ ☞ ناشناس)

ریاحی: «دیوان اوحدالدین کرمانی، ش ۱۱۳۸» (همان: ۶۲۵).

منابع دیگر: سفینه تبریز، (۷۲۱ ق) ص: ۲۹۵ منسوب به اوحدالدین کرمانی است:

بوی خوشت ز پیرهن می‌شنوم
که شرح غمت ز مرد و زن می‌شنوم
چون هیچ نباشد، کسکی بنشانم
کو نام تو می‌گوید و من می‌شنوم

مآخذ نویافتهٔ ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۲۵

نکته: در سفینهٔ تبریز فقط مصرع دوم با نزهةالمجالس تفاوت دارد و در سه مصرع دیگر شباهت کامل دارد.

۵.۲ اقتباس مضمون و شباهت در قوافی

تعداد ۱۴ رباعی از رباعیات مشترک نزهةالمجالس و دیوان کبیر در مضمون و قوافی به یکدیگر شباهت دارند، البته در برخی از موارد این رباعی‌ها علاوه بر مضمون و قوافی، در چندین واژهٔ دیگر نیز با هم اشتراک دارند. گویی که مولانا مضمون و قوافی و حتی کلمات اصلی را از یک رباعی گرفته و سپس همان رباعی را با طرحی جدید به مخاطب عرضه می‌کند.

۱.۵.۲ (ش: ۱۱۰) نسخه: فذ، چت، مق

وی هرچه گهر فتاده در پای لبت	ای هرچه صدف بسته دریای لبت
گر ره ندهی وای من و وای لبت	از راه زبان رسید جانم تالب



وی شیفته عالمی، ز سودای لبت	ای چشمهٔ جان بسته به دریای لبت
بر بام لب آمد به تماشای لبت	جانم ز نهانخانهٔ این سینهٔ تنگ

(شروانی ۱۳۷۵: ۳۸۸ رباعی ۱۸۶۶ ☞ جمال شهری)

۲.۵.۲ (ش: ۴۸۴) نسخه: فذ، چت، خب، مق

غمگینم از آنکه خوشدلم نپسندد	یاری که مرا در غم خود می بندد
پنهان پنهان شکر شکر می خندد	چون بیند او مرا که من غمگینم

۳.۵.۲ (ش: ۴۸۵) نسخه: فذ، چت، خب

غمگینم از آنک خوشدلم نپسندد	ماهی که کمر گرد قمر می بندد
پنهان پنهان شکر شکر می خندد	چون بیند او که من چنین گریانم

دو رباعی فوق از نظر محتوا اقتباسی از بیت دوم رباعی زیر است:



با من چو شبی به وصل در پیوندد ننشسته هنوز رخت برمی‌بندد
بنشینم و در فراق او می‌گیرم برخیزد و، بر گریه من می‌خندد
(شروانی ۱۳۷۵: ۴۳۸ رباعی ۲۲۵۴ م مجیرالدین بیلقانی)

مرحوم ریاحی در پاورقی آورده‌اند «دیوان مجیرالدین بیلقانی ص ۳۹۴» (همان: ۴۳۸)
منابع دیگر: سفینه تبریز (۷۲۱ ق) ص: ۳۰۵ این رباعی از مجیرالدین بیلقانی است.

۴.۵.۲ (ش: ۵۴۰) نسخه: فذ، چت، خب، فا

زهر از کف یار سیمبر بتوان خورد تلخ سخنش همچو شکر بتوان خورد
بس بانمکست یار بس بانمک است جایی که نمک هست جگر بتوان خورد



پنداشت دلم کز تو بری بتوان خورد وز پست دهانت، شکری بتوان خورد
بیچاره ندانست، که بر خوان لبست یک ذره نمک، بی جگری بتوان خورد
(شروانی ۱۳۷۵: ۲۶۱ رباعی ۸۵۱ م شفروه)

نکته: رباعی فوق یک‌بار نیز با تفاوتی جزئی در نزهة‌المجالس به شماره ۳۳۰۰ به نام صدر خجندی آمده است.

۵.۵.۲ (ش: ۵۶۶) نسخه: فذ، چت، خب

می جوشد دل که تا به جوش تو رسد بی هوش شده است تا به هوش تو رسد
می نوشد زهر تا بنوش تو رسد چون حلقه شده است تا بگوش تو رسد

۶.۵.۲ (ش: ۵۶۷) نسخه: فذ، خب

کی باشد کین نیش بنوش تو رسد زهرم به لب شکر فروش تو رسد؟
زیرا که تو کیمیای بی‌پایانی ای خوش خامی که او بچوش تو رسد

دو رباعی فوق اقتباسی از رباعی زیر است.



آیا بود آن‌که دل، به هوش تو رسد دستم، به لب شکر فروش تو رسد؟
بیدار شو از خواب خوش، ای جان و جهان تا ناله زار من، به گوش تو رسد

مآخذ نویافتهٔ ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۲۷

(شروانی ۱۳۷۵: ۴۶۹ رباعی ۲۴۹۰ ☞ ناشناس)

۷.۵.۲ (ش: ۱۱۶۳) نسخه: فذ، چت، خب، مق، فا

از خویش بجستن آرزو می‌کندم آزاد نشستن آرزو می‌کندم
در بند مقامات همی بودم من وان بند گسستن آرزو می‌کندم

رباعی فوق از دیوان کبیر، اقتباسی عارفانه از رباعی زیر است:



با یار نشستن، آرزو می‌کندم وز غصه برستن، آرزو می‌کندم
عهدی کردم که نیز نامش نبرم آن عهد شکستن، آرزو می‌کندم

(همان: ۶۲۷ رباعی ۳۶۸۷ ☞ ناشناس)

۸.۵.۲ (ش: ۱۲۱۸) نسخه: فذ، چت، خب، مق، فا

از بهر تو صد بار ملامت بکشم گر بشکنم این عهد غرامت بکشم
گر عمر وفا کند جفاهای تو را در دل دارم که تا قیامت بکشم



در عشق تو، چون بار ملامت بکشم اندوه تو، تا روز قیامت بکشم
بیخردگی چو رفت، معذورم دار تا هم من بیچاره غرامت بکشم

(همان: ۵۶۳ رباعی ۳۲۰۱ ☞ ناشناس)

منابع دیگر: (اوحدالدین کرمانی ۱۳۶۶: ۳۱۲ رباعی ۱۷۸۶) که تلفیقی از هر دو رباعی

فوق است:

من عشق تو را به صد ملامت بکشم گر آه کنم به جان غرامت بکشم
گر عمر وفا کند جفاهای تو را آخر کم از آن تا قیامت بکشم

۹.۵.۲ (ش: ۱۲۹۸) نسخه: فذ، چت، عد، خب، مق

ما باده ز یار دلفروز آوردیم ما آتش عشق سوز آوردیم
تا دور ابد جهان نبیند در خواب آن شبها را که ما به روز آوردیم



تا روی به روی یار دلفروز آوردیم صد گونه ز ساز عشق سوز آوردیم
با وصل تو یک روز نیاورده به شب با هجر، هزار شب به روز آوردیم
(همان: ۱۷ رباعی ۳۶۱۵ ☞ خجندی)

منابع دیگر یک رباعی از مختارنامهٔ عطار (۱۳۵۸: ۲۲۶ رباعی ۲۷) با شباهت بیشتری به رباعی ۳۶۱۵ نزهةالمجالس این‌گونه آمده است:

تا روی به روی یار دلفروز آوردیم چون شمع گداختیم و سوز آوردیم
بس شب که میان جمع اندوهگنان چون شمع به صد سوز به روز آوردیم

۱۰.۵.۲ (ش: ۱۴۴۸) نسخه: چت، خب، مق

پالوده شوی در طلب پالودن فرسوده شوی در هوس فرسودن
تالذت پالودنتان شرح دهد در نیست چگونه هست خواهد بودن

۱۱.۵.۲ (ش: ۱۴۵۱) نسخه: فذ، چت، خب، مق، فا

پیموده شدم ز عشق تو پیمودن فرسوده شدم ز عشق تو فرسودن
نی روز بخوردن و نه شب بغنودن ای دوستی تو دشمن خود بودن

دو رباعی ۱۴۴۸ و ۱۴۵۱ اقتباسی از رباعی زیر از سید حسن است:



پالوده شدم، ز خون دل پالودن فرسوده شدم، ز دل به غم فرسودن
با تو به حضر، قرار و آرام نیست بی تو به سفر، چگونه خواهم بودن؟
(شروانی ۱۳۷۵: ۵۳۵ رباعی ۲۹۹۶ ☞ سید حسن غزنوی)

منبع دیگر: در نسخه برگردان دست‌نویس کتاب رسائل العشاق و وسائل المشتاق (۶۸۵ق)، بدون ذکر نام گوینده آمده است. (سیفی نیشابوری ۱۳۹۹: ۳۶۲)

۱۲.۵.۲ (ش: ۱۵۴۰) نسخه: فذ، چت، خب، مق

در اصل یکی بد است جان من و تو پیدای من و تو و نهان من و تو
خامی باشد که گویی آن من و تو برخاست من و تو از میان من و تو

مآخذ نویافتهٔ ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۲۹

۱۳.۵.۲ (ش: ۱۵۴۱) نسخه: فذ، چت، خب، مق

در اصل یکی بد است جان من و تو پیدای من و تو و نهان من و تو
خود از پی فهم گفتم: آن من و تو چون نیست من و تو، در میان من و تو



چون هر دو یکی شدند جان من و تو شاید که یکی بود نشان من و تو
من تو شده‌ام، تو من شدستی، اکنون فرقی نتوان کرد میان من و تو

(شروانی ۱۳۷۵: ۱۴۷ رباعی ۴۸ ☞ جمال‌الدین خلیل)

۱۴.۵.۲ (ش: ۱۹۵۱) نسخه: فذ، چت، خب، مق

ای روی تو را پیشه جهان‌آرایی وی زلف تو را قاعده عنبر سایبی
آن سلسله‌ی سحر تو را، آن شاید کش می‌گری و می‌کنی و می‌خایی



ای قاعدهٔ زلف تو شهرآرایی وی پیشهٔ چشم شوخ تو، رعنائی
لالای خط تو را مبارک بادا بر تختهٔ کافور تو عنبر سایبی!

(شروانی ۱۳۷۵: ۳۶۹ رباعی ۱۷۱۵ ☞ ناشناس)

منابع دیگر: در نسخهٔ مجموعهٔ شمارهٔ ۱۷۰ این رباعی در بخش دیوان رفیع‌الدین لبنانی ص: ۴۳۵ نیز آمده است:

ای قاعدهٔ حسن تو شهرآرایی وی اندیشهٔ چشم شوخ تو، رعنائی
لالای خط تو را مبارک بادا بر تختهٔ کافور تو عنبر سایبی!

در لباب‌الالباب (عوفی، ۱۳۲۴: ج ۱ ص: ۲۳۹) از شمس‌الدین محمد بن الذابی این گونه آمده است:

ای پیشهٔ روی تو جهان‌آرایی وی قاعدهٔ زلف تو عنبرسایبی
با سودایت خوشست جان را که دهد بازرگانی به چون تو خوش سودایی

(عطار، ۱۳۵۸: ۱۶۶ رباعی ۲۴)

ای قاعدهٔ عشق تو جان‌افزایی خاصیت حسن تو جهان‌آرایی
سلطان زمان شوم من سودایی گر صبر دهی مرا در این تنهایی

۳. نتیجه‌گیری

یافتن رباعیات مشترک مجموعهٔ ارزشمند نزهة‌المجالس و دیوان شمس از چند نظر می‌تواند حائز اهمیت باشد: نخست این‌که یافتن این رباعیات از شعرای متعدد، ما را با اصلی‌ترین آبخورهای ادبی اندیشهٔ مولانا آشنا می‌سازد و دامنهٔ وسیع مطالعات ادبی این عارف برجسته را بیش از پیش برایمان آشکار می‌کند، دوم این‌که با جداسازی این رباعیات از دیوان کبیر، می‌توانیم گامی موثر در جهت شناسایی دقیق سبک‌شناسی رباعیات مولانا برداریم، از طرفی نیز با توجه به آن دسته از رباعیات مشترکی که با نام سراینده در نزهة‌المجالس آمده‌اند، می‌توان پژوهش‌های دیگری را در آثار به جا مانده از این شعرا انجام داد و با جستجوهای بیشتر، رباعیات دخیل دیگری را نیز شناسایی کرد. به‌ویژه بررسی آثار شعری که رباعیات مشترک بیشتری از آن‌ها در نزهة‌المجالس آمده است می‌تواند ما را به نتایج بیشتری برساند.

در این پژوهش، رباعیات مشترک نزهة‌المجالس و دیوان کبیر، در دیگر متون نظم و نثر متقدم نیز جستجو شده و برای تعدادی از این رباعیات منابع جدیدی یافت شد. در مواردی هم برای رباعیاتی که گویندهٔ آن‌ها در نزهة‌المجالس مشخص نبود، سرایندگانی در برخی از منابع از جمله در سفینهٔ تبریز، مجموعهٔ شمارهٔ ۸۳۳ دانشگاه تهران، دیوان سنایی، دیوان سیدحسن غزنوی و... معلوم گردید.

تغییراتی که مولانا در برخی از رباعیات دخیل ایجاد کرده، بر توانایی ادبی و بلاغی بالای او دلالت دارد. او به مقتضای حال و متناسب با ذوق خود گاهی یک رباعی را بدون تغییر می‌آورد و گاهی با ایجاد تغییر در یک، دو و یا سه مصرع، رباعی دیگری را می‌سراید. او حتی در مواردی با حفظ مضمون و قوافی یک رباعی، تمامی مصرع‌های آن را تغییر داده و با طرحی نو، رباعی جدیدی را می‌سراید. در جدول زیر ۷۵ رباعی مشترک بررسی شده با نوع تغییر آن‌ها در کلیات شمس مشخص شده است.

شبهات کامل در هر چهار مصرع و بدون تغییر	شبهات در چهار مصرع با تغییراتی در برخی از واژگان	شبهات در سه مصرع	شبهات در دو مصرع	شبهات در یک مصرع	شبهات در محتوا و قوافی و اقتباس رباعی
۷	۲۵	۵	۱۵	۹	۱۴

مآخذ نویافتهٔ ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۳۱

علاوه بر ۴۰ رباعی مشترک نزهةالمجالس و دیوان شمس که مرحوم ریاحی در پانوشته نزهةالمجالس مشخص کرده‌اند، ۷۵ رباعی مشترک دیگر نیز در پژوهش حاضر بررسی شد، که در مجموع به ۱۱۵ رباعی می‌رسد. از مجموع این ۱۱۵ رباعی مشترک ۶۵، رباعی در نزهةالمجالس با ذکر نام سراینده آمده است. تعداد این سراینندگان ۳۸ نفر می‌باشد که در جدول زیر نام این شاعران با تعداد رباعیات منسوب به آنها آمده است:

تعداد رباعی	نام شاعر
۶	مجدود بن آدم سنایی
۵	صدر خجندی
۴	ظهیرالدین فاریابی، مجیرالدین بیلقانی
۳	کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، فخرالدین مبارکشاه غوری، سید حسن غزنوی
۲	مجدالدین بغدادی، اوحدالدین کرمانی، شرف‌الدین مرتضی، حمید تبریزی، رضی نیشابوری، جمال اشهری، شمس اسعد گنجه‌ای، شرف‌الدین شفروه
۱	اثیر اخیسکی، مهستی، شرف بیلقانی، برهان گنجه‌ای، رشید، اثیر اومانی، عزیزالدین طغرائی، یمین، فخرالدین رازی، شیخ احمد غزالی، جمال‌الدین عبدالرزاق، ابوسعید ابوالخیر، محمد غزنوی، عزیز شروانی، شیخ احمد جام، شهریاری، ملک طغانشاه، نظامی گنجه‌ای، سلطان طغرل، جمال‌الدین خلیل شروانی، رفیع‌الدین بکرانی

پی‌نوشت‌ها

۱. «ش»: نشانهٔ شمارهٔ رباعی در دیوان کبیر به تصحیح فروزانفر است.
۲. «عد، فذ، چت، خب، مق، فا» علائم اختصاری نسخه‌های مورد استفادهٔ فروزانفر در تصحیح رباعیات دیوان کبیر است: «عد»: نسخهٔ کتابخانهٔ اسعد افندی، «فذ»: نسخهٔ قونیه، «چت»: نسخهٔ کتابخانهٔ مستر چستر بی‌تی، «خب»: نسخهٔ بلدیة استانبول، «مق»: نسخهٔ موزهٔ قونیه، «فا»: نسخهٔ فیه مافیه محفوظ در کتابخانهٔ استانبول است.
۳. علامت اختصاری مجموعهٔ نزهةالمجالس.

کتاب‌نامه

- ابراهیم رحیمی زنگنه، سهیلا یاری گلدره و لیلا رحمتیان (۱۳۹۶)، «بازشناسی منبع ۳۸ رباعی منسوب به مولانا در متون ادبی و تاریخی» دو فصلنامه تاریخ ادبیات، ش ۸۱
- احمد غزالی (۱۳۷۶)، مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، به اهتمام احمد مجاهد، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- اوحدالدین کرمانی (۱۳۶۶)، دیوان رباعیات، به اهتمام احمد ابومحبوب و مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: سروش.
- باباافضل کاشانی (۱۳۱۱)، رباعیات، به اهتمام سعید نفیسی، تهران: کتابخانه دانشکده.
- بهاء ولد (۱۳۸۲)، معارف، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، ج ۱، چاپ سوم، تهران: طهوری
- جوینی، عطا ملک بن محمد بن محمد (۱۳۹۲)، تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۲، تصحیح و تعلیقات دکتر حبیب الله عباسی و دکتر ایرج مهرکی، چاپ دوم، تهران: زوار.
- رحمان مشتاق‌مهر، (۱۳۹۶)، «مآخذ استشهدات شعری فارسی مکتوبات مولانا و تکمله آن»، کهن‌نامه ادب پارسی، س ۸، ش ۳.
- ریاحی، محمد امین (۱۳۷۵)، شروانی، نزهة المجالس (مقدمه و تعلیقات)، جمال خلیل شروانی، تهران: علمی.
- سمعانی، شهاب‌الدین ابوالقاسم احمد بن المظفر منصور (۱۳۸۴)، روح‌الارواح، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران: علمی و فرهنگی.
- سنایی غزنوی، ابوالمجدود (۱۳۸۸)، دیوان، به اهتمام مدرس رضوی، تهران: سنایی.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۰)، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، به کوشش سید حسن نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سید علی میرافضلی، (۱۳۸۱)، «این راه به سرسری به سر می‌تشد» (نقدی بر تصحیح دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی)، مجله نشر دانش، ش ۱۰۴.
- سید علی میرافضلی، (۱۳۷۶)، «مروارید کرمانی و رباعیات سرگردان»، مجله معارف، ش ۴۲.
- سیفی نیشابوری، علی بن احمد (۱۳۹۹)، رسائل العشاق و وسائل المشتاق، به کوشش جواد بشری، تهران: مجموعه انتشارات تاریخی و ادبی دکتر محمود افشار.
- شروانی، جمال خلیل (۱۳۷۵)، نزهة المجالس، به تصحیح و تحقیق دکتر محمد امین ریاحی، تهران: علمی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲)، زبان شعر در نثر صوفیه، تهران: سخن.

مآخذ نویافته ۷۵ رباعی از دیوان کبیر ... (رحمان مشتاق مهر و دیگران) ۳۳۳

- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، سیر رباعی در شعر فارسی، تهران: فردوس.
- صادری، طه (۱۳۹۳)، نسخه پژوهی رباعیات مشترک بین خیام و پنج شاعر (عطار، بابا افضل، مولوی، مجد همگر و حافظ)، پایان نامه دکترای تخصصی، گروه ادبیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
- ظهیرالدین فاریابی (۱۳۸۱)، دیوان، به تحقیق و توضیح دکتر امیرحسن یزدگردی و به اهتمام دکتر اصغر دادبه، تهران: قطره.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۵۸)، مختارنامه، با مقدمه و تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: توس.
- عوفی، محمد (۱۳۵۳)، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، تصحیح دکتر امیربانو مصفا و دکتر مظاهر مصفا، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- عوفی، محمد (۱۳۲۴)، لباب الالباب، به کوشش ادواد براون، لیدن: بریل.
- عین‌القضات همدانی (۱۳۷۷)، تمهیدات، به کوشش غفیف عسیران، تهران: کتابخانه منوچهری.
- غزنوی، سدیدالدین محمد (۱۳۸۴)، مقامات ژنده پیل، تصحیح دکتر حشمت موید، تهران: علمی فرهنگی.
- قونیوی، ابوبکر بن الزکی المتطیب (۳۴۹)، روضه‌الکتاب و حدیقه‌الالباب، تصحیح میر ودود سید یونسی، تبریز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- لویس، فرانکلین دی (۱۳۸۳)، مولوی: دیروز و امروز، شرق و غرب، ترجمه فرهاد فرهمندفر، تهران: نشر ثالث.
- مجیرالدین بیلقانی (۱۳۵۸)، دیوان، تصحیح دکتر محمد آبادی، تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- محمدرضا شعبانی، (۱۳۸۹)، «مولوی صوفی ترانه‌گو» (بررسی رباعیات مولوی و جایگاه آن در شعر فارسی)، ماه ادبیات س ۴، ش ۴۲.
- المختارات من الرسائل، مجموعه‌ای از نامه‌های گوناگون (۱۳۷۸). به کوشش غلامرضا طاهر و ایرج افشار و مریم میر شمسی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۶۳)، کلیات شمس یا دیوان کبیر، ج ۸، با تصحیح و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، تهران: دانشگاه تهران.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۱)، مکتوبات، به کوشش توفیق سبحانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- موید بغدادی، بهاء‌الدین محمد (۱۳۸۵)، التوسل الی التوسل، به کوشش احمد بهمینار، تهران: اساطیر.

۳۳۴ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

مهستی گنجوی (۱۳۴۷)، دیوان مهستی، به اهتمام و تصحیح طاهری شهاب، چاپ سوم، تهران: کتابخانه ابن سینا.

مهستی گنجوی (۱۳۹۱)، دیوان مهستی، به اهتمام جمشید پور اسمعیل نیازی و هدی اسعدی، تبریز: شایسته.

نسخ خطی:

نسخه مجموعه سفینه تبریز، ابوالمجد تبریزی، (۷۲۱ق)، شماره ۱۴۵۹۰، مجلس شورا.

نسخه مجموعه دوازده شاعر، شماره ۱۷۰ دانشگاه تهران.

نسخه مجموعه شماره ۸۳۳ (۶۰۴ق) در سه بخش حاوی رباعیات خیام، دانشگاه تهران.

نسخه مجموعه شماره ۲۷۵ (۶۸۱ق)، دانشگاه تهران.

نسخه مجموعه شماره ۲۷۰ (۶۸۶ق) دانشگاه تهران.

نسخه دیوان شرف شفروه، به شماره ۱۴۱۵، (۱۰۲۷ق) دانشگاه تهران.

نسخه دیوان ظهیر فاریابی، به شماره ۲۰۰ (۷۱۷ق)، دانشگاه تهران.

نسخه دیوان ظهیر فاریابی، به شماره ۲۴۴، (۸۴۰ق)، دانشگاه تهران.

نسخه کلیات سنایی، به شماره ۱۳۴ (۶۸۴ق) دانشگاه تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی